

بسم الله الرحمن الرحيم

## بایسته‌های فعالیت سیاسی پویای دانشجویی

### در ایران امروز

#### چکیده:

- ۱- آرمان‌گرایی و رسیدن به آرمان‌ها از اهداف اصیل جنبش دانشجویی و رسالت دانشجوی در فعالیت‌های سیاسی است، نه رسیدن به قدرت.
- ۲- معنای فعالیت سیاسی دانشجوی تاختن به دولت و نظام سیاسی نیست، بلکه دستیابی به فهم، شناخت و تحلیل درست سیاسی پیرامون مسائل سیاسی در سطوح داخلی و بین‌المللی است.
- ۳- سه کار ویژه مهم در رابطه میان سیاست و دانشگاه وجود دارد؛ کار ویژه اول، دانشگاه قطب اصلی «تربیت‌کننده‌ی» نسل بعدی سیاسیون نظام است. کار ویژه دوم، «جریان سازی سیاسی» و فراگیر کردن یک گفتمان در جامعه هست. کار ویژه سوم، قدرت «مطالبه‌گری» دانشجویان است.

۴- هدف جریان انقلاب از برقراری پیوند میان دانشگاه و سیاست، نقش آفرینی دانشجویان در دولت سازی و نظام سازی است که نهایتاً منجر به ساخت تمدن اسلامی می شود اما جریان ضدانقلاب به جنبش دانشجویی به عنوان یکی از جنبش های توده ای فعال در جریان جامعه ی مدنی می نگرند و می کوشد تا با بهره گیری از ایدئولوژی غربی، جنبه های استقلال طلبانه و هویت مستقل این جنبش را به نفع نظام سازی غربی و ترجیح ارزش های سکولار مصادره کند.

۵- از مهم ترین ویژگی های یک جنبش دانشجویی اصیل؛ ضداستکباری، ضدفساد، ضدادشرفی، عدالت خواه، باگذشت، ضد حاکمیت تجمل گرایانه و زورگویانه، ضدگرایش های انحرافی، تعقل و تفکر پیرامون مسائل سیاسی، امید و تلاش برای ساخت آینده بهتر است.

۶- مهم ترین وظیفه ی دانشگاه، تولید علم و مهم ترین وظیفه ی دانشجو، کسب علم است. به نحوی که دیالکتیک دانشگاه و سیاست به ایجاد نشاط در دانشگاه و تلاش برای ارتقای جایگاه علمی خود و کشور شود. این در حالی است که رویکرد جریان ضدانقلاب در سیاسی کردن دانشگاه ها، ایجاد حاشیه و غلبه ی آن بر متن و وظایف اصلی دانشجویی است.

۷- دانشجویان به عنوان افسران جنگ نرم کشور از اقشار تاثیرگذار و تعیین کننده نتیجه نبرد ترکیبی و شناختی هستند و لذا باید در وسط میدان حضور داشته باشند

و مرتب با جهاد تبیین ضمن خشتی‌سازی طراحی‌های دشمنان انقلاب، با تاباندن نور روشنگری و بصیرت بر دستاوردهای کشور دل‌های مردم و جوانان را گرم و امیدوار نگه دارند. دانشجوی با بصیرت امروز وقتی می‌بیند که دشمنان با وارونه‌نمایی‌ها، شبهه‌پردازی‌ها و تردیدافکنی‌ها به دنبال دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات اسفند ۱۴۰۲ است، تمام تلاش خود را مصروف جهاد تبیین برای جا انداختن این حقیقت می‌کند که دشمنان به سبب تحمل شکست‌های متعدد از انقلاب اسلامی و مقاومت جهانی به هیچ عنوان خیرخواه مردم ما نیستند و می‌خواهند کشور عزیز و قدرتمند جمهوری اسلامی را به شکست بکشانند. مسلمانا، هدف‌گذاری امروز آنها صندوق‌های رای و تلاش برای ایجاد قهر در مردم با این صندوق‌هاست. این در حالی است که اگر بخواهیم مشکلات کشور هم حل شود باز بهترین راه همان انتخابات مطلوب و سپردن مناصب به شایستگان از طریق رای دادن است.

**مقدمه:**

جنبش دانشجویی در عصر ما به یکی از حرکت‌های فعال در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است و چه از طرف سیاست و چه از طرف دانشگاه، رغبتی دوجانبه برای برقراری نسبت و ارتباط بین این دو وجود دارد. اهمیت فعالیت سیاسی در دانشگاه از چند جنبه انکارناپذیر است و به همین دلیل، هم انقلاب اسلامی در سطح رهبران و سیاست‌گذاران و هم نظام‌های استیلاطلب به‌عنوان سرمایه‌گذاران در جریان‌های اجتماعی کشورهای دیگر، برای تحقق کارکرد مدنظر خود، در نسبت دانشجوی و سیاست می‌کوشند.

در بخش عمده تاریخ جنبش دانشجویی، این قشر به‌عنوان چشم بینای جامعه عمل کرده است. به بیان عمیق‌تر، در دهه ۳۰ جنبش دانشجویی از خواسته مردم پشتیبانی نمود، و با آغاز نهضت امام خمینی(ره)، دانشجویان در کنار امام و با پیروی از معظم‌له، به حمایت از مردم در مقابله با رژیم ستم‌شاهی پرداختند. این رویه، اغلب از سوی گروه‌های مختلف دانشجویی تا ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری دنبال شد. ولی در دوران اصلاحات گسستی بین مردم و دانشجویان دیده می‌شود، که حادثه کوی

دانشگاه و... دلیلی بر گسل به وجود آمده بین مردم و افسار دانشجویی کشور بود. عوامل زیادی موجب این گسل شد که در این میان، جنگ شناختی و جنگ قدرت و نه خدمت بین جناح‌های موجود کشور، از آن جمله است. خود این مسئله نشان می‌دهد هرگاه جنبش دانشجویی به جناح‌ها و نه به مردم بپیوندد، از هویت واقعی و تاریخی خود، که حمایت از مردم بوده است، فاصله می‌گیرد. از طرفی یکی از ضروریات پویایی یک جامعه فعالیت سیاسی دانشجویان به همراه تحصیل علم و دانش است. فهمیدن و تحلیل درست مسائل و جریان‌های سیاسی در سطوح داخلی و جهانی جزء رسالت دانشجو است.

از این رو، در ضرورت سیاسی بودن دانشجو، مقام معظم رهبری در دیداری به مناسبت «روز ملی مبارزه با استکبار» در تاریخ ۱۲ آبان سال ۷۲ چنین می‌فرمایند: «بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس، روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیرسیاسی کنند. کشوری که

جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمی‌فهمند، جریان‌های سیاسی دنیا را نمی‌فهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری می‌تواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند؟» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۸/۱۲).

دقت در این جملات رهبری، ضمن تبیین چرایی لزوم سیاسی بودن دانشجویان برای نظام‌های مردم‌سالار، عمق اعتقاد رهبر معظم انقلاب به این بایسته و رسالت دانشجویی را نشان می‌دهد.

### **هدف تشکل دانشجویی؛ رسیدن به قدرت یا دستیابی به آرمان‌ها؟**

مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در تاریخ ۸۷/۹/۲۴ در خصوص تفاوت کار دانشجویی با کار حزبی چنین می‌گویند: «تشکل دانشجویی با حزب فرق دارد. احزاب و سازمان‌های سیاسی در وضع رایج و متعارف عالم، تشکیلاتی هستند که برای رسیدن به قدرت به وجود آمده‌اند. احزاب در دنیا این‌جورند. یعنی مجموعه‌هایی تشکیل می‌شوند برای اینکه قدرت سیاسی را در جامعه در دست بگیرند. این خاصیت حزب است. تشکل‌های دانشجویی مطلقاً برای این به وجود نمی‌آیند و نمی‌خواهند قدرت را در دست بگیرند. تشکل‌های دانشجویی

برای رسیدن به آرمان‌ها به وجود می‌آیند که فراتر از مسئله به قدرت سیاسی رسیدن و حکومت را به دست گرفتن است. این قدرت سیاسی برایشان مطرح نیست. البته احزاب بدشان نمی‌آید که از این مجموعه‌های دانشجویی برای رسیدن به قدرت استفاده کنند. به نظر ما این، روا نیست و خود دانشجویها باید به این توجه داشته باشند». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴)

ایشان همچنین مفهوم «سیاسی‌کاری» را به‌عنوان یک کار مذموم و مرتبط با هدف و انگیزه شخصی می‌دانند و می‌فرمایند: «سیاسی‌کاری که چیز بدی است، معنایش این است آن کسی که درباره مسائل سیاسی فکر می‌کند، هدفش دنبال کردن و کشف و بیان حقیقت نباشد؛ اهداف دیگری را دنبال کند! این را سیاسی‌کاری می‌گویند». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان اندیشمندان، ۱۳۷۷/۷/۱۸)

### معنای اصیل «فعالیت سیاسی دانشجویی»

بعضی وقت‌ها این انگاره نادرست در محیط دانشگاه، دانشجویی یا یک تشکل دانشجویی وجود دارد که اگر یک تشکل دانشجویی وظیفه خود را حمایت از دولت تعریف کند و این‌گونه رفتار نماید، آن را یک تشکل

دولتی قلمداد می‌کنند و این نکته به‌عنوان یک مسئله منفی در کارنامه فرد یا شکل ثبت شود و برعکس اگر دانشجو یا تشکیلی در دانشگاه دائماً علیه دولت و نظام موضع‌گیری داشته باشد چنین تصور شود که دانشجو و تشکل مبارز شجاعی است و به وظیفه خود درست عمل می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای در این باره در جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه تهران در تاریخ ۷۷/۲/۲۲ چنین می‌گویند: «من سه، چهار سال قبل از این گفتم که دانشجویان بایستی سیاسی شوند و بعد هم علیه کسانی که دانشگاه را از سیاست دور کردند، تعبیر تندی کردم. یک سال بعد از آن، یا همان وقت‌ها، در یک اجتماع دانشجویی گفتم که اشتباه نکنید؛ من که می‌گویم فعالیت سیاسی، معنایش این نیست که فعالیت سیاسی حتماً باید علیه دولت، علیه مسئولان و علیه نظام باشد. بعضی از بدخواهان، فعالیت سیاسی را این‌گونه تعبیر می‌کنند. فکر می‌کنند فعالیت سیاسی، یعنی سیاسی‌کاری! این، یک نوع سیاسی‌کاری و یک نوع تقلب است که آدم تصور کند فعالیت سیاسی در دانشگاه، فقط با بد گفتن و با فحاشی کردن و با اهانت کردن به این‌وآن حاصل می‌شود؛ نه. فعالیت سیاسی، برای پیدا شدن قدرت تحلیل در دانشجوست. این دانشجو اگر قدرت تحلیل سیاسی نداشته باشد، فریب



می خورد و فریب خوردن دانشجو، درد بزرگی است که تحملش خیلی سخت است». (بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲)

حمایت یک تشکل دانشجویی از دولت، مادامی که بوی قدرت طلبی ندهد و صرفاً بر اساس یک تحلیل و دریافت درون دانشگاهی باشد و ضمناً معیارهای اخلاقی را رعایت کند امری مذموم نیست و حداکثر آن تشکل در تحلیل خود خطایی مرتکب شده که کاملاً قابل پذیرش است.

### سه بعد مهم رابطه میان سیاست و دانشگاه

سه بعد در رابطه میان سیاست و دانشگاه وجود دارد که در ذیل به این سه بعد اشاره می شود؛

بعد اول؛ دانشگاه خواه یا ناخواه قطب اصلی «تربیت کننده‌ی» نسل بعدی سیاسیون نظام است. دانشجویان کنشگر سیاسی در فضای دانشگاه احتمالاً گزینه‌های اصلی هدایت سکان آینده‌ی کشور هستند و شیوه‌ی مواجهه‌ی امروز آنان با مسائل سیاسی در دانشگاه می تواند تأثیر جدی بر برخوردشان از جایگاه مدیران سیاسی نظام در آینده با مسائل کشور داشته باشد.

بعد دوم؛ «جریان سازی سیاسی» و فراگیر کردن یک گفتمان، بنا به خاصیت «مرجعیت» فکری در جامعه، به سادگی تحقق می یابد. معمولاً در

خانواده، اقوام و دوستان، افراد تحصیل کرده نه فقط از نظر علمی، بلکه در زمینه‌ی اظهارات سیاسی و... نیز مرجع به حساب می‌آیند و همین مسئله توان جریان سازی مضاعف به قشر دانشجو اعطا کرده است.

بعد سوم؛ قدرت «مطالبه‌گری» دانشجویان است که با توجه به روحیه‌ی جوانی و نبود وابستگی‌های منجر به محافظه‌کاری، طبیعت این طیف را به مطالبه‌گری فعال فارغ از مآل‌اندیشی (عاقبت‌اندیشی) وامی‌دارد؛ امری که برخی تحلیلگران سیاسی را بر آن داشته است که جنبش دانشجویی را ذاتاً جنبشی رادیکال به حساب آورند.

### مختصات جنبش دانشجویی از منظر مقام معظم رهبری

از مهم‌ترین ویژگی‌های یک جنبش دانشجویی اصیل؛ ضداستکباری، ضدفساد، ضداشرافی، تعقل و تفکر پیرامون مسائل سیاسی، امید و تلاش برای ساخت آینده بهتر است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «در تمام دوران مختلف در طول انقلاب، حوادث گوناگون، لحظه‌های حساس و خطیر، حضور دانشجویان مؤمن، متعهد، عدالت‌خواه، باگذشت، توانسته فضا را در جهت صحیح هدایت کند. این برداشت من از جنبش دانشجویی و نگاه من به جنبش دانشجویی است؛ ضداستکباری، ضدفساد،

ضداشرافی‌گری، ضد حاکمیت تجمل‌گرایانه و زورگویانه، ضد گرایش‌های انحرافی؛ این‌ها خصوصیات جنبش دانشجویی است. در همه این سال‌های انقلاب، حضور دانشجویان در این صحنه‌ها، حضور فعال و مؤثری بوده. دانشجویها گفتمان ساز بوده‌اند، فضای فکری ساخته‌اند، گفتمان‌های سیاسی و انقلابی را در جامعه حاکم کرده‌اند که در موارد زیادی این وجود داشته». ایشان در ادامه همین مطلب اشاره می‌کنند: «از دانشگاه همیشه و در همه‌جا این انتظار هست که محل جوشش و اوج دو جریان حیاتی در کشور باشد: اول، جریان علم و تحقیق؛ دوم، جریان آرمان‌گرایی‌ها و آرمان‌خواهی‌ها و هدف‌گذاری‌های سیاسی و اجتماعی». (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴)

## تمایز دو رویکرد «انقلابی» و «غیرانقلابی» در مواجهه با دانشگاه و سیاست

تمایز و تفاوت دو رویکرد «انقلابی» و «غیرانقلابی» در مواجهه با دانشگاه و سیاست در سه حوزه اهداف، رویکردها و تکنیک‌ها نسبت به پدیده‌ها، رویدادها و روندهای سیاسی در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## الف) هدف

در صورتی که بخواهیم به نسبت صحیح بین دانشگاه و سیاست پردازیم، باید ابتدا تفاوت اهداف موجود میان جریان انقلابی و ضدانقلابی را متمایز نماییم. هدف جریان انقلاب از برقراری پیوند میان دانشگاه و سیاست، نقش آفرینی دانشجویان در دولت‌سازی و نظام‌سازی است که نهایتاً منجر به ساخت تمدن اسلامی می‌شود. به همین دلیل، رهبر انقلاب میدان دادن به دانشجویان و اساتید ارزشی را برای فعالیت، از لوازم نقش آفرینی دانشگاه‌ها در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی برمی‌شمارند.<sup>۱</sup> در این راستا، به‌منظور اصلاح در کوتاه‌مدت به نقد قدرت حاکم و مطالبه‌گری از آن و آگاه‌سازی عمومی می‌پردازد و در بلندمدت می‌کوشد در تعامل با سیاست، سیاست‌مداران تراز دولت اسلامی را تربیت نماید.

اما هدف جریان غیرانقلابی و ضدانقلاب از پیوند دادن دانشجوی و سیاست، جز این است. این جریان به جنبش دانشجویی به‌عنوان یکی از جنبش‌های توده‌ای فعال در جریان جامعه‌ی مدنی می‌نگرد<sup>۲</sup> و می‌کوشد تا

<sup>۱</sup> - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، ۲۰ آبان ۱۳۹۴.

<sup>۲</sup> - صدقی، حمیدرضا، تأثیر جنبش دانشجویی بر جامعه‌ی مدنی ایران پس از انقلاب اسلامی، مؤسسه‌ی

فرهنگی انتشاراتی خاتم، آبان ۱۳۹۴.

با بهره‌گیری از ایدئولوژی غربی، جنبه‌های استقلال‌طلبانه و هویت مستقل این جنبش را به نفع نظام سازی غربی مصادره کند تا نهایتاً کشور باتریت مدیران تراز انسان مدرن غربی، به چیزی بیشتر از یک پازل برای نقشه‌ی جامعه‌ی جهانی تبدیل نشود. در همین راستا، جریان معارض می‌کوشد در کوتاه‌مدت، جنبش دانشجویی را به‌عنوان ابزاری در کنار سایر خرده نهادهای جامعه‌ی مدنی، به نقش‌آفرینی در فضای اجتماعی و ساختار قدرت سیاسی و گاه فشار و مقابله با نظام اسلامی وادار کند و در بلندمدت عناصر مطلوب خود را به‌عنوان تصمیم‌گیران سیاسی بر مسند نظام قرار دهد.

## **ب) رویکردها**

### **۱- مبنای فعالیت سیاسی**

جنبش‌های دانشجویی غالباً خود تولیدکننده‌ی ایدئولوژی نیستند و نقش اصلی آن‌ها در تعمیم و گسترش ایدئولوژی و اثربخشی بر افکار عمومی است. لذا لاجرم از افراد شاخص یا به عبارتی ایدئولوگ‌های جریان فکری و سیاسی نزدیک به خود تبعیت می‌کنند. نمونه‌ی جنبش‌های دانشجویی فعال در دیگر کشورها نیز مؤید همین مسئله است. جنبش دانشجویی فرانسه در می ۱۹۶۰ توسط ایدئولوژی‌های قوی پشتیبانی می‌شد و یا جنبش

دانشجویی آلمان با نظرات اندیشمندانی چون هابرماس و مارکوزه تغذیه می‌شد. اما بهترین مثال از شیوهی تأثیرپذیری ایدئولوژیک را می‌توان در جریان جنبش دانشجویی کشور خودمان در برهه‌های گوناگون جست‌وجو کرد. جنبش دانشجویی در ایران در زمان اوج خود، یعنی در بحبوحه‌ی پیروزی انقلاب، تحت تأثیر سه ایدئولوژی مارکسیستی، اسلامی و ناسیونالیستی بود که هر یک از ایدئولوگ‌های خود تأثیر می‌پذیرفتند. جریان مارکسیستی دانشگاه با تأثیرپذیری از عقاید مارکس و لنین و رهبران شوروی، به تعمیم ایدئولوژی چپ در شبکه‌ی پیچیده و پنهان مارکسیستی که شعبه‌ای از آن در دانشگاه‌ها فعال بود، می‌پرداخت. جریان ملی‌گرا به ترویج افکار رهبران جبهه‌ی ملی و نهضت آزادی در دانشگاه می‌پرداخت. دانشجویان مسلمان نیز به رهبران فکری خود از جمله امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید بهشتی، شهید مطهری و دکتر شریعتی تاسی می‌کردند.<sup>۳</sup>

پس از انقلاب و در دهه‌ی هشتاد، این تفاوت رویکرد سیاسی نحل‌های جنبش دانشجویی در اثر تفاوت ایدئولوژی، بار دیگر رخ می‌نمایاند. گروهی تحت عنوان جنبش دانشجویی مسلمان می‌کوشند تا با احیای خط

۳- کریمیان، علیرضا، جنبش دانشجویی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱

امام، مسیر حرکت انقلاب را از شبهه، انحراف و بی‌عدالتی بزدايند و در مقابل دانشجویان موسوم به آزادی‌خواه، به بهانه‌ی اصلاح‌گری، به رفتارهای شبه‌اپوزیسیونی دست می‌زنند و بر خروج از حاکمیت اصرار دارند. هر دو این جریان‌ها نیز متأثر از رهبران فکری است که در این برهه با سلسله سخنرانی‌ها و تبلیغ ایدئولوژی انقلابی/ضدانقلابی خود، آن را به جامعه‌ی دانشجویی تزریق می‌کنند.

گروه دوم که رفتار معارض انقلاب دارد، با بهره‌گیری از نهادهای سیاسی چون احزاب، می‌کوشد جنبش دانشجویی را به‌عنوان علم مطالبات حزبی خود و پیشرو در رویکردهای سیاسی جریان خود معرفی نماید. البته موضوع یارکشی سیاسی از جبهه‌ی دانشجویان مختص به یک طیف سیاسی خاص نیست، بلکه احزاب با نگرش‌های گوناگون به طمع‌ورزی نسبت به جنبش دانشجویی و معرفی آن به‌عنوان آوانگارد(پیشرو) مطالبات خود، مبادرت می‌ورزند.

رهبر انقلاب چند سال پیش در تبیین دوگانه‌ای که ذکر آن رفت، جنبش دانشجویی را به فعالیت سیاسی «انقلابی» دعوت و تشویق می‌نماید و اظهار می‌دارند برخی این کار را ملامت کرده و می‌گویند دانشجویان را به

هوس و هیجان نیاندازید. ایشان سپس به اعتقاد قلبی خود نسبت به لزوم فعالیت سیاسی دانشجویان تأکید مجدد می‌کنند و آنگاه با بیان تفاوت فعالیت سیاسی انقلابی دانشجویان به‌عنوان موتور محرک تحولات اجتماعی و سیاسی نسبت به تبدیل دانشگاه به محل جولان گرایش‌های سیاسی مختلف که بعضاً مخالف با اصل نظام یا جهت‌گیری‌های آن هستند، می‌پردازند.<sup>۴</sup> ایشان همچنین معتقدند جنبش دانشجویی باید در فعالیت سیاسی و اظهارنظر سیاسی از هر قشری در جامعه پیشروتر باشد.

این بیان رهبر حکیم انقلاب و تأکیدات دیگر ایشان نشان می‌دهد ایشان در برابر فعالیت سیاسی سالم و انقلابی که آن را ضرورت دانشگاه می‌دانند، به دو رویکرد معارض اشاره دارند که یکی می‌کوشد دانشگاه را به رخوت و رکودی بکشاند تا سیاست‌مداران از مطالبه‌گری و انتقاد جنبش دانشجویی در امان بمانند و دیگری رویکردی که خود را به‌عنوان مخالف و اپوزیسیون نظام تعریف می‌کند و با سواری دادن به اختاپوس احزاب، آنان را گرده‌نشین خود می‌نماید.

<sup>۴</sup>بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ آذر ۱۳۹۲



بهترین روش مواجهه‌ی سیاسی دانشجویان با ایدئولوژی‌های سیاسی، پرهیز حداکثری از تأثیرپذیری مطلق نسبت به ایدئولوگ‌های حزبی و تأمل آزاداندیشانه بر مواضع و افکار اندیشمندان انقلاب اسلامی است که فراتر از جریان‌های سیاسی روز و فارغ از وابستگی‌های حزبی، به تبیین اندیشه‌های امام و رهبری و اصول انقلاب می‌پردازند.

## ۲- تحلیل‌گری

هرچند اشاره شد ایدئولوژی بدنه‌ی جنبش دانشجویی توسط رهبران فکری- سیاسی جامعه پی‌ریزی و به جنبش‌های مردمی از جمله جنبش دانشجویی تعمیم داده می‌شود، اما در سطح پایین‌تر، یعنی تحلیل مسائل سیاسی، این دانشجویان باید قدرت تشخیص و تحلیل مسائل را داشته باشند. توقع از دانشجوی ترانز انقلاب اسلامی این است که با آشنایی اسلوب و روش‌های تحلیل سیاسی، با رصد فضای موجود بتواند تحلیلی از فضا برمبنای ایدئولوژی انقلابی داشته باشد.

### ۱-۲- تحلیل تک‌ساحتی؛ واکنش منفعلانه

در صورتی که تحلیل از مسائل سطحی یا تک‌ساخته باشد و برخی ابعاد در آن لحاظ نشود، می‌تواند مشکل‌آفرین باشد. جنبش دانشجویی زمانی که

خود نتواند به درستی به قدرت تشخیص مسائل دست یابد، طبیعتاً به یک واکنشگر منفعل و سطحی‌اندیش تبدیل می‌شود که عملاً قوه‌ی تحلیل خود را به جریان معارض بخشیده است. در مواجهه‌ی دانشجویان با مسائل سیاسی هرچه سطح تحلیل آن‌ها عمیق‌تر باشد، می‌توانند به واکنش مناسب‌تری نسبت به هر رخداد بپردازند. این امر مطلوب انقلاب اسلامی هم هست و از همین رو است که رهبر انقلاب معتقدند: «کشوری که دانشجویان و جوانانش مسائل سیاسی را نمی‌فهمند و تحلیل درستی از جریان‌های سیاسی دنیا ندارند، نمی‌تواند مبتنی بر مردم حکومت، حرکت، مبارزه و جهاد کند». (بیانات مقام معظم رهبری در آستانه‌ی روز دانش‌آموز، ۱۲ آبان ۱۳۷۲).

در مقابل، جریان معارض می‌کوشد به پشتوانه‌ی فضاسازی رسانه‌ای و بارش اخبار و تحلیل‌های مغرضانه و رادیکال، با ایجاد فضای فکری مشوش در ذهن دانشجویان، آن‌ها را به تحلیل و نتیجه‌گیری مطلوب خود سوق دهد. به عبارتی، هر جریانی از هر جبهه‌ای که می‌کوشد دانشجویان را به گونه‌ای از بی‌تحلیلی سوق دهد و آن‌ها را صرفاً به موجودات کنشگر سیاسی بر اساس تحلیل‌هایی تبدیل کند که روزمره در اختیار آن‌ها می‌گذارد

و راه را بر اندیشه‌ی آزاد آن‌ها ببندد، خواه یا ناخواه رفتاری غیرانقلابی بروز می‌دهد.

### ۲-۲- تحلیل مستقل بر پایه شناخت

انتظار اینکه دانشجوی بتواند در برخورد با سیاست به تحلیل و مطالبه‌گری عمیق و مؤثر پردازد، دور از ذهن نیست و مصادیق فراوان نیز نشان می‌دهد اتفاقاً مطالبه‌هایی که بر پایه‌ی شناخت و تحلیل دقیق از مسائل سیاسی توسط جنبش دانشجویی انجام پذیرفته، اثربخش‌تر است و به‌خوبی توانسته به جامعه سرایت کند. از همین‌روست که رهبر انقلاب از دانشجویان می‌خواهند در خصوص مسائل مختلف سیاسی حتماً خودشان تحلیل داشته باشند، ولو آنکه غلط باشد؛ چراکه تحلیل سیاسی و اثرناپذیری از تحلیل‌های بولتنی و حزبی دیگران بدون درنگ و تأمل می‌تواند جریان معارض را از رسیدن به هدف خود (منفعل‌سازی دانشجویان در برابر تحلیل‌های غلط) ناامید سازد.

### ۳- گفتمان‌سازی

جنبش دانشجویی از منظر کارکرد اجتماعی، نیرویی واسط و میانجی است که ایده‌ی خود را برای کنش اجتماعی و سیاسی از متفکرین و اندیشمندان

به دست می‌آورد و سپس با تشخیص مهم‌ترین مطالبات در راستای تحقق آن ایده در یک شرایط زمانی، آن را تبدیل به گفتمانی عمومی می‌کند و به ترویج آن در افکار عمومی می‌پردازد. از سوی دیگر، به رصد خواست مردمی می‌پردازد و خواست مردم را در قالب منافع ملی، تئوریزه می‌کند و با ارائه‌ی راهکار، به قدرت سیاسی انتقال می‌دهد. «گفتمان» فضای فکری و جریان غالب در جامعه در یک برهه‌ی زمانی است. گفتمان فراتر از جدال‌های روز سیاسی است و به یک مطالبه‌ی متمرکز اشاره دارد که حرکت جامعه را به سمتی خاص سوق می‌دهد. جنبش دانشجویی جنبشی است گفتمان‌ساز که می‌تواند به ترویج یک مطالبه‌ی عمومی در سطح کشور بپردازد. قدرت تولید و ترویج گفتمان بر مبنای نیازهای مردم و انقلاب اسلامی، در حدی واجد اهمیت است که رهبر انقلاب معتقدند می‌تواند در تغییرات کلان سیاسی و رویکرد دولت‌ها مؤثر باشد. در این راستا مقام معظم رهبری فرمودند: «گفتمان‌سازی می‌کنید. در نتیجه، در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس‌جمهور هم همان جور فکر می‌کند، وزیر هم همان جور فکر می‌کند، مدیرکل هم همان جور فکر

می‌کند، کارکنان هم همه همان جور فکر می‌کنند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان علمی، ۱۳/۷/۱۳۹۰).

همان‌طور که جریان انقلاب اسلامی می‌کوشد برای پیشبرد هدف خود، از دل دانشگاه، جنبشی مطالبه‌گر و گفتمان‌ساز بیافریند، جریان‌های مقابل نیز به ترویج گفتمان‌های خود در سطح دانشگاه می‌پردازند. ترویج آزادی‌های فراقانونی و مطالبه‌گری از حکومت برای آزادسازی اباحی‌گری در عرصه‌ی عمومی، مطالباتی است که در برخی مواقع شاهد بوده‌ایم سرمایه‌گذاری زیادی برای تبدیل آن‌ها به گفتمان دانشگاه و سپس ترویج آن‌ها در سطح جامعه شده است. کوشش جریان ضدانقلاب آن است که جنبش دانشجویی را از جنبشی گفتمان‌ساز به مطالبه‌گر سطحی مسائل روز تبدیل کند و نسبت ناصحیح دانشگاه با سیاست منجر به تقلیل گفتمان اساسی و ملی به مسائل مبتذل یا نهایتاً شعارهای حزبی و جناحی می‌شود.

#### ۴- استکبارستیزی

مقابله با استکبار را می‌توان یکی از رویکردهای اساسی و کار ویژه‌ی مهم جنبش دانشجویی به حساب آورد. این تکلیف نه در یک برهه‌ی زمانی خاص، که به‌عنوان یک رویکرد دائمی در نسبت دانشگاه و سیاست جهانی

تعریف می‌شود. مبدأ تحرک جنبش دانشجویی انقلابی (۱۶ آذر ۱۳۳۲) خود حرکتی برپایه‌ی استکبارستیزی بوده است و این حرکت تا امروز نیز استمرار داشته است. رهبر انقلاب مبارزه با استکبار و نظام سلطه را جزء کارهای اساسی و مبانی انقلاب برمی‌شمرند که تعطیل‌پذیر نیست و تصریح دارند اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰).

در مقابل، برخی از جریان‌های سیاسی، در رویکرد سیاسی خود در بعد بین‌المللی، خود را مقهور ساختار هژمون قلمداد می‌کنند و مسیر رهایی از مشکلات داخلی را نیز از دریچه‌ی رابطه با زورمداران می‌بینند. این رویکرد البته حاصل اتکا نداشتن به ظرفیت‌های داخلی و اعتماد به نفس میان دانشجویان است که این تفکر از بدو تأسیس دانشگاه در ایران به‌عنوان یک رویکرد اصلی بر دانشگاه تحمیل شده است. این رویکرد غلط، که سازش با مستکبرین را مسیر ناگزیر توسعه کشور بدانیم، تاکنون بارها برای کشور ایجاد هزینه کرده است و تجربه‌ی مذاکره با دشمنان به‌منظور بهبود اوضاع معیشتی و داخلی، بدون فعال سازی ظرفیت‌های درونی در سال‌های اخیر ناکارآمدی خود را بیش‌ازپیش نمایش داده است.

## ۵- آرمان‌گرایی (محافظه‌کاری قتلگاه انقلاب)

آرمان‌گرایی را می‌توان به‌عنوان نقطه‌ی مقابل مصلحت‌طلبی و حفظ وضع موجود دانست. همان‌طور که اشاره شد، جریان غیرانقلابی از یک‌سو می‌کوشد با نقش دادن به دانشجویان در ساختار قدرت، آن‌ها را از مطالبه‌گری به‌سوی محافظه‌کاری سوق دهد تا جنبش دانشجویی احیای مطالبات اساسی و آرمان‌های انقلاب را فراموش کند. از همین‌رو، رهبر معظم انقلاب از محافظه‌کاری با تعبیر تکان‌دهنده‌ی «قتلگاه انقلاب» یاد می‌کند. البته این به‌معنی غفلت از واقعیت‌ها و رشد انتظارات غیرواقعی نیست. توجه به واقعیت‌های موجود در کنار رضایت نداشتن مستمر از وضع فعلی، می‌تواند هدایتگر رویکردی آرمان‌گرایانه باشد. مسئله‌ای که جریان معارض با انقلاب آن را بر نمی‌تابد و با القای مسائل غیرواقعی به‌جای واقعیت، درصدد مایوس کردن دانشجویان از آینده‌ی کشور و القای تفکر «ما نمی‌توانیم» در سطح دانشگاه‌ها و به تبع آن، فضای عمومی کشور است.

دست آخر باید توجه داشت آرمان‌های جمهوری اسلامی صرفاً سیاسی نیست و چه‌بسا آرمان‌های فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی، که در بند

بند قانون اساسی کشور نیز متجلی شده، بسیار فراگیرتر از مطالبات سیاسی است و محدود کردن دایره‌ی آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری به مسائل سیاسی، خود به غفلت جنبش دانشجویی از سایر ابعاد مهم نظام‌سازی می‌انجامد.

## ۶- وظایف دانشجویی

در تبیین نسبت دانشگاه با فعالیت سیاسی، نمی‌توان از وظایف اصلی دانشجویی غافل شد. به‌هرحال مهم‌ترین وظیفه‌ی دانشگاه، تولید علم و مهم‌ترین وظیفه‌ی دانشجو، کسب علم است. جریان انقلاب، رابطه‌ی دانشگاه و سیاست را در خدمت این وظیفه‌ی اصلی می‌خواهد؛ به‌نحوی که دیالکتیک دانشگاه و سیاست به ایجاد نشاط در دانشگاه و تلاش برای ارتقای جایگاه علمی خود و کشور و رسیدن به هدف مقدس و انقلابی منجر شود.

این در حالی است که رویکرد جریان ضد انقلابی در سیاسی کردن دانشگاه‌ها، ایجاد حاشیه و غلبه‌ی آن بر متن وظایف اصلی دانشجویی است؛ به‌طوری‌که میزان رشد علمی کشور، تخصص‌گرایی و آرامش مورد نیاز برای پیشبرد فعالیت‌های علمی به تأخیر بیفتد. حرکت‌هایی نظیر تعطیلی کلاس‌های درس و امتحانات که در برخی برهه‌ها در واکنش به



مسائل سیاسی رخ داده است، نمونه‌ای از این تلاش برای ایجاد تشویش فکری و ناآرامی در فضای علمی و تحصیلی است. به همین دلیل، رهبر انقلاب ایجاد باشگاه‌های سیاسی و هیجان‌های غیرمفید را «سم مهلک حرکت علمی» در دانشگاه برمی‌شمرند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۳/۴/۱۱).

### پ) تکنیک‌ها

در برخورد با مسائل سیاسی روزمره، به تبع تفاوت اهداف و رویکردها، جریان انقلابی و غیر/ضدانقلابی واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. جریان انقلابی می‌کوشد با توجه به تحلیل صحیح سیاسی و با توجه به مبانی سیاست انقلابی که پیش‌تر ذکر آن رفت، در واکنش به مسائل سیاسی به گونه‌ای رفتار کند که به کاهش یا رفع هزینه از انقلاب اسلامی منجر شود. در مقابل، فن جریان معارض انقلاب در برخورد با مسائل روزمره‌ی سیاسی، دامن زدن به حواشی، شایعات، اخبار غیرموثق است؛ به گونه‌ای که به جای تلاش برای رفع مشکل یا اصلاح نقص، برای اصل نظام هزینه ایجاد شود و حتی بعضاً نمود این رفتارها در رسانه‌های ضدانقلاب با عنوان

«بیداری جنبش دانشجویی» منعکس می‌شود. نمونه‌ی این رفتارهای هزینه‌زا در سال‌های ۷۸، ۸۸ و ۱۴۰۱ مشاهده شد.

جنبش دانشجویی انقلابی مسائل سیاسی روز را همانند قطعات پازل کنار هم چیده و با تفکیک مسائل اصلی از فرعی، به تحلیل و نتیجه‌گیری می‌پردازد، ولی جریان معارض می‌کوشد مسائل غیراصلی را به مطالبه‌ی سیاسی اصلی و درجه‌یک جنبش دانشجویی تبدیل کند و با کمپین‌های سیاسی دانشجویی برای مسائل فرعی، به ادعاهای خود در نفی حکومت مشروعیت بخشد. مقام معظم رهبری در پرداختن به موضوع، "اصلی و فرعی کردن مسائل" در جمع دانشجویان فرمودند: «ممکن است در گوشه‌کنار یک حادثه‌ی بزرگ زدوخوردهایی انجام بگیرد که انسان نتواند ظالم را از مظلوم تشخیص دهد یا یک نفر در موردی ظالم، در موردی مظلوم باشد. این کاملاً امکان‌پذیر است، اما در این قضایا مسئله‌ی اصلی گم نشود». (بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان، ۶ مرداد ۱۳۹۲). در جای دیگر ایشان به لزوم حفظ آرامش در مواجهه با سیاست می‌فرمایند: «آرامش دانشگاه‌ها، زمینه‌ساز و شتاب بخش حرکت علمی کشور است و اگر خدای نکرده این آرامش ضربه بخورد، حرکت علمی متوقف

می‌شود و ایران به عقب بازمی‌گردد». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه، ۱۳۹۳/۴/۱۱)

بنابراین «تلاش برای اصلی و فرعی کردن مسائل» و «تأکید بر حفظ آرامش» در مواجهه با سیاست و برخورد با مسائل سیاسی روزمره از ضروریات فعالیت سیاسی دانشجو و تشکل‌های دانشجویی است.

### نتیجه‌گیری

سه کار ویژه مهم در رابطه میان سیاست و دانشگاه وجود دارد؛ کار ویژه اول، دانشگاه قطب اصلی «تربیت‌کننده‌ی» نسل بعدی سیاسیون نظام است. کار ویژه دوم، «جریان سازی سیاسی» و فراگیر کردن یک گفتمان در جامعه هست. کار ویژه سوم، قدرت «مطالبه‌گری» دانشجویان است. جریان غیرانقلابی و ضدانقلاب در تلاش است تا در مسیر به فعلیت رسیدن این سه کار ویژه اساسی و مهم جنبش دانشجویی، مشکل و انحرافات ایجاد کرده و با بهره‌گیری از ایدئولوژی غربی، جنبه‌های استقلال‌طلبانه و هویت مستقل جنبش و فعالیت سیاسی دانشجو را به نفع نظام سازی غربی و غرب‌گرایی مصادره نماید.

بنابراین برای حفظ هویت مستقل جنبش دانشجویی و پویاسازی فعالیت‌های سیاسی دانشجویی معطوف به پیشرفت و استقلال کشور، بایستی برخی از ویژگی‌هایی اصیل مثل؛ تفکر عمیق در مسائل کشور، شناخت و تحلیل مستقل پیرامون مسائل سیاسی روز، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، ضداستکباری، ضد فساد، عدالت‌خواه، ضد گرایش‌های انحرافی در فعالیت‌های سیاسی جنبش دانشجویی نمود بارزی داشته و هرگونه کنش و واکنش سیاسی جنبش دانشجویی ناشی از این ویژگی‌ها باشد. مبتنی بر این مختصات و ویژگی‌های گفتمانی و کارآمدی جنبش دانشجویی است که امروز دشمن با جنگ شناختی به مصاف انقلاب و ایران اسلامی آمده و می‌خواهد ما را در درون به خودمان مشغول و از تداوم مسیر پیشرفت بازدارد. دانشجویان به عنوان افسران جنگ نرم کشور که از اقشار تاثیرگذار و تعیین‌کننده نتیجه این نبرد ترکیبی و شناختی هستند باید در وسط میدان حضور داشته باشند و مرتب با جهاد تبیین ضمن خنثی‌سازی طراحی‌های دشمنان انقلاب، با تاباندن نور روشنگری و بصیرت بر دستاوردهای کشور دل‌های مردم و جوانان را گرم و امیدوار نمایند.

دانشجوی با بصیرت امروز وقتی می‌بیند که دشمنان با وارونه‌نمایی‌ها، شبهه‌پردازی‌ها و تردیدافکنی‌ها به دنبال دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات اسفند ۱۴۰۲ است، تمام تلاش خود را مصروف جهاد تبیین برای جا انداختن این حقیقت می‌کند که دشمنان به سبب تحمل شکست‌های متعدد از انقلاب اسلامی و مقاومت جهانی به هیچ عنوان خیرخواه مردم ما نیستند و می‌خواهند کشور عزیز و قدرتمند جمهوری اسلامی را به شکست بکشانند. مسلماً، هدف‌گذاری امروز آنها صندوق‌های رای و تلاش برای ایجاد قهر در مردم با این صندوق‌هاست. دانشجویان به عنوان اقشار آگاه و نخبه کشور می‌توانند به واسطه اندوخته‌های علمی و تحلیلی با رویکرد افق‌های یافته‌های مقایسه‌ای از وضعیت کشورهای مدعی و کشورهای هم‌تراز با جمهوری اسلامی که تن به سازش داده‌اند، در ابعاد مختلف تحلیلی مشخص کنند که امروز به مراتب وضعیت کدام یک بهتر است. کدام کشور در دنیا استقلال، عزت و کرامت مردم خود را بهتر حفظ کرده است. البته مشکلاتی هم هست که باید همگان تلاش کنند در راستای حل آنها حرکت نمایند. مسلماً، این افزایش آگاهی و انگیزه‌بخشی سبب امیدواری مردم به آینده می‌شود و مردم سخن و تحلیل جریان‌ها و افرادی

را که امروز برای حل مشکلات کشور راه‌هایی غیر از صندوق انتخابات را پیشنهاد می‌کنند خیرخواه خود ندانسته و آنها را کنار بزنند و بدانند که اگر بخواهیم مشکلات کشور هم حل شود باز بهترین راه همان انتخابات مطلوب و سپردن مناصب به شایستگان از طریق رای دادن است.